

پیش‌خوان

پیش‌خوان

به پهانه چاپ ششم اثر «هزاروسمیدوهجده»

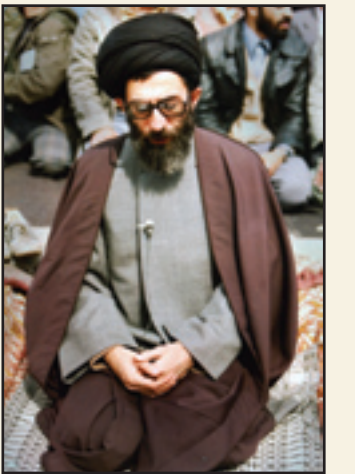
تلخ و شیرین ۷دهه در آینه روایت رهبر معظم انقلاب

■ محمدرضا کاکنینی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به خوانش فرازهایی از خاطرات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی پرداخته است. این خاطرات

از مجموعه سخنرانی‌ها و گفت‌وشنودهای ایشان گزینش شده و در کتابی به نام «هزاروسمیدوهجده» سامان یافته است. این کتاب روایاتی از زبان معظم‌له در بازه زمانی سال ۱۳۱۸ تا بهار ۱۳۹۵ را در خویش دارد. مجموعه مورد اشاره، توسط علی‌احمد محرابی تدوین یافته و مؤسسه فرهنگی- هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن اهتمام ورزیده است. هزاروسمیدوهجده پس از انتشار، مورد اقبال خوانندگان قرار گرفت و هم‌اینک چاپ ششم آن به بازار کتاب روانه گشته است. از جمله فرازهایی که در میان یادمان‌ها به چشم می‌آید، ماجرای سبیل در شهر ایرانشهر و در سال ۱۳۵۷ است. آیت‌الله‌خامنه‌ای که در آن دوره به تبعید در این شهر به سر می‌بردند، در این باره گفته‌اند: «در سال ۵۷در ایرانشهر سیل آمد و ۸۰درصد شهر قطعاً خراب شد، یعنی من یک به یک، تمام مناطق شهر را با پای خودم رفتم و دیدم ۰ه‌روز، ما امداد و پشتیبانی می‌کردیم. یک نفر از مرکز که هیچ، از زاهدان هم یک نفر آمد برحسبه مشخص به ایرانشهر نیامد که بگوید اینجا چه خبر است!به صورت ظاهری هدایایی به وسیله شیر و خورشید فرستادند که اولاً اگر به دست مردم می‌رسید، یک‌دهم از نیازهایی



▲ ۱۳۵۸. نمازجمعه تهران

که مردم داشتند و یک‌دهم از آنچه ما تبعیدی‌ها برای مردم فراهم کرده بودیم، نمی‌شد، ثانیاً همان را هم نمی‌دادند و از آن هدایای ناچیز، مبالغی هم برای خوشان لازم داشتند تا بخورند. اما ایرانشهر که مرکز جغرافیایی و به یک معنا مرکز فرهنگی بلوچستان بوده است، همیشه در طول زمان به کلی مغفول عنه بود، زاهدان هم همینطور، برای شترسواری و استفاده از شراب چندده‌ساله به بیرجند می‌رفتند. برای اینکه در آنجا عیاشی کنند، ببر چند فرودگاه داشت، اما چون در اینجا وسیله عیاشی فراهم نبود، به بلوچستان نمی‌آمدند…»

هم‌گنانکه که اشارت رفت، «هزاروسمیدوهجده» به خاطر تازمهری در مقاطع گوناگون هشت دهه اخیر پرداخته است. فتح خرمشهر و آثا و بازتاب‌های آن، از جمله فرازهای تاریخ معاصر ایران است که در این اثر درباره آن نکاتی وجود دارد. «در جنگ نظامی، سازماندهی و عملیات و فرماندهی و تاکتیک و دقت‌نظر و موقع‌شناسی و دهها عامل در کنار هم، دانش نظامی و استعداد و نبوغ نظامی را به وجود می‌آورد، استعداد و نبوغ نظامی را نشان می‌دهد. این اتفاق، در عملیات فتح خرمشهر- یعنی همان عملیات بیت‌المقدس- روی داد که همین شهید عزیز اخیر ما- شهید علی‌صادق‌شیرازی- یکی از کارگردانان اصلی این عملیات بود و خود او مثل ظهر چنین روزی، از آنجا با تلفن بنا بنده تماس گرفت و مژده پیروزی را داد و گفت: سربازان عراقی صف طولانی کشیده‌اند تا بیایند اسیر شوند. ببینید این عملیات چقدر هوشمندانه، قوی و همه‌جانبه بود که نیروهای دشمن احساس اضطراب می‌کردند که برای حفظ جان خودشان، بیایند خود را تسلیم اسارت کنند. در آن روز هزاران نفر از نیروهای دشمن متجاوز- که آن همه با غرور و تکبر، فریاد سر داده بودند- آمدند و دوستی خودشان را تسلیم زرمندگان اسلام کردند. صحنه‌های این تسلیم، برای همه ایرانیان غرورآفرین بود…»

شماره ۶۷۹۳ | روزنامه جوان

تاریخ

تاریخ ۸۸۹۹۴۲۲۰



خصال تبلیغی حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسن قرائتی در آینه نکته‌ها و خاطر‌ها

«شیخ» با شهید بهشتی عهد بست

که وقف جوانان باشد

■ **سید جواد بهشتی**

بیش از نیم قرن است (از سال ۱۳۵۰ تاکنون) به‌عالم فرزانه و مبلغ دلسوز دین، حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسن قرائتی را از نزدیک می‌شناسم و خداوند را سپاسگوارم که بیشتر دوران جوانی‌ام را در خدمت ایشان گذرانده‌ام. مایل هستم گزارشی از تجربیات و روش کار ایشان را برای علاقه‌مندان به صورت خلاصه به یادگار بگذارم. شاید ادای دینی باشد و شاید راهنمای راه برای طلاب فرهنگیانی که سوز و شور و عشق توسعه فرهنگ دینی دارند و در پی تبلیغ دین برای نسل نو هستند. این مقال به مناسبت برگزاری محفل نکوداشت استاد قرائتی با عنوان «شیخ رسانه» به شما تقدیم می‌شود.

■ ■ ■

■ **هنر انتخاب مخاطب**

هدف از تبلیغ دین، رساندن پیام آن به جان و دل مخاطبان است. از میان انواع و اقسام مخاطبان، بهترین گزینه جوانان هستند؛ زیرا چون خن‌پذیر، جسور، پرانرژی و با عمری دراز در پیش رو است. جناب آقای قرائتی جوانان را به‌عنوان مخاطب اصلی خود برگزید و با فراز و نشیب روزگار، تغییر موضع نداد. در کاشان کار تبلیغ را با نوجوانان شروع کرد و پس از آن در قم، اردبیل، اصفهان و شهرهای دیگر، مخاطب اصلی او را این قشر تشکیل می‌دادند. گرچه به لحاظ مادی، تبلیغ برای بچه‌ها هیچ‌گونه درآمدی برای ایشان نداشت و چه بسا اگر برای بزرگسالان برنامه اجرا می‌کرد، دریافت‌های خوبی داشت، اما به دلیل اعتقاد عمیق، پای این انتخاب استاد. خاطره شهید آیت‌الله بهشتی با ایشان گفتن دارد که: «آقای قرائتی! من نگرانم در آینده بچه‌ها رها کنی و سراغ بزرگسالان بروی، من دوست دارم زندگی شما را پشتیبانی کنم تا از این مخاطب جوان دست برداری…» و حاج آقای قرائتی تعداد دکه‌ها در این راه پایدار بماند.

قرائتی آغاز تبلیغ خود را از کاشان شروع کرد؛ شهری که مردمش را می‌شناخت و با آنان انس داشت. مردم هم ایشان را می‌شناختند. پس از کاشان، کار خود را به شهرهای دیگر توسعه داد. ایشان تا پنج سال، روزهای جمعه از قم به کاشان می‌آمد و مطالبی را که در طول هفته تهیه کرده بود، برای جوانان بیان می‌کرد. جالب این است که طی این چند دهه، توصیه مهم ایشان به طلاب عزیز، انجام تبلیغ در شهر خود و برای بچه‌های محله خویش و فامیل و بستگان است، زیرا پیامبر عزیز اسلام(ص) نیز تبلیغ خود را از بستگان و عشیره شروع کرد و سپس به مردم مکه و آنکه به شهرهای دیگر تسری داد.

■ **انتخاب قرآن به‌عنوان منبع تبلیغ**

انتخاب محتوای پیام، یکی از ارکان تبلیغ است که اعتبار آن از منابع دین اخذ می‌شود. نکته الهام‌بخشی که آقای قرائتی در تهیه محتوای تبلیغی خود بر آن اصرار داشت و دارد، اصل قرار دادن قرآن به‌عنوان اولین منبع تبلیغی است. ایشان بر این اعتقاد بود که قرآن باید در تار و پود زندگی مردم جا پیدا کند، نه اینکه در حاشیه باشد و به صورت موسمی مطرح شود، بلکه تمام اعتقادات، اخلاقیات و آداب زندگی، ابتدا باید با نگاهی به قرآن تولید و ارائه شود. حدیث، سیره و سخنان بزرگان در بر تو قرآن درگیر می‌گیرد. از



«

»

قرائتی آغاز تبلیغ خود را از کاشان شروع کرد؛ شهری که مردمش را می‌شناخت و با آنان انس داشت، مردم نیز ایشان را می‌شناختند. پس از کاشان، کار خود را به شهرهای دیگر توسعه داد. ایشان تا پنج سال، روزهای جمعه از قم به کاشان می‌رفت و مطالبی را که در طول هفته تهیه کرده بود، برای جوانان بیان می‌کرد. جالب این است که طی این چند دهه، توصیه مهم ایشان به طلاب، انجام تبلیغ در شهر خود و برای فامیل و بستگان است

دهه ۶۰ حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسن قرائتی در حال سخن گفتن برای پرسنل نیروی دریایی

د

وقتی به گذشته استاد قرائتی می‌نگریم، می‌بینیم که بسیاری از موفقیت‌های امروز ایشان، استجابت دعاهایی است که در جوار حرم آل‌البیت(ع) داشته‌است. بارها و بارها تقاضاهای تبلیغی خود را از حضرت امام(رضاع) خواست و آن امام رؤف نیز بسیار زود حاجتش را به او مرحمت می‌فرمود. وقتی ایشان کتابی را تألیف می‌کرد، دست‌نوشته خود را قبل از چاپ، به ضریح امام(رضاع) متبرک می‌کرد؛ در دعاها و نیایش‌های فردی و جمعی نیز هیچ‌گاه از آن ذخایر الهی غافل نیست

منصفانه‌ای را به دنبال نخواهد داشت.

۳.امکان تکثیر و انتقال به دیگران با انتشار. ۴.امکان اضافه و تکمیل شدن.

قابل ذکر است ایشان در دهه اول تبلیغ خویش، یعنی دهه ۵۰، مطالب خود را در دفاتر جیبی می‌نوشت که الان موجود هستند. پس از آن در کلاسورهای بزرگ و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در قش‌های تحقیقی و در دهه ۸۰، به صورت نرم‌افزار و قابل استفاده در محیط مجازی و سایت.

■ **ارائه کار به استاد**

رابطه شاگرد و استاد در حوزه‌ها، بیشتر در دروس رسمی مرسوم است. ایشان محتوای تبلیغی خود را به شکلی بدیع عرضه می‌کرد و چه بسا در هر کار بدیع و تازه‌ای، احتمال خطا نیز بود. هم از این‌سوی مقید بود که تحقیقات خود را نزد استادان خویش ببرد و پس از تأیید آن بزرگواران به مردم ارائه کند. از زمانی که تألیف کتاب را شروع کرد، پس از پایان نگارش، از چند نفر از بزرگان حوزه تقاضا کرد یک نوبت کتاب را مطالعه و اظهار نظر بفرمایند و پس از تأیید آنان و توسل به اهلبیت(ع) آن را به دست چاپ می‌سپرد. تا آنکه در حقیقت شاگردی که در این کلاس حضور پیدا می‌کرد، تمام دین را از نظر قرآن می‌شنید و جلسه‌ای نبود که آیه‌اتی از قرآن کریم، در جان و دل مخاطبان نقش بینند.

همین اصرار باعث شد با ورود ایشان به تلویزیون، نام برنامه‌اش «درس‌هایی از قرآن» باشد و در تهیه بحث‌های تلویزیونی نیز ابتدا به دنبال آیه‌ات آن موضوع و تفسیر آن می‌فت. پس از آن از سیره، حدیث، تاریخ و کتاب‌های تحلیلی استفاده می‌کرد. پس از حدود ۱۰سالگی که از برنامه درس‌هایی از قرآن گذشت، برنامه «پته‌وچی» در رادبو شروع شد و اگر عشق ایشان به قرآن نبود، با اشتغالی که داشت، چه بسا برنامه تفسیر قرآن ناتمام می‌ماند، اما با مدد الهی برنامه ایته وحی نیز ضبط و پخش شد و سپس نگارش یافت و نهایتاً «تفسیر نور» در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. پس از آن با پشتکار مثال زدنی ایشان، یک بار دیگر تفسیر نور به صورت تصویری تهیه شد و گام‌های بعدی که تفسیر موضوعی قرآن باشد، در حال برداشته شدن است.

■ **انتخاب روش تبلیغ**

از نکات بدیع در کار آقای قرائتی، نوآوری در روش تبلیغ است. استفاده از تخته و تبدیل کردن تبلیغ سمعی به تبلیغ سمعی و بصری، آغاز یک نهضت در حوزه تبلیغ دین بود که خوشبختانه پس از چند سال به عالمان و محافل دینی مرسوم شد. آقای قرائتی به شدت دنبال این بود که هر موضوع دینی را با چه طرحی عرضه کند. شبیهه عرضه کالا که بسته‌بندی کالا، نقش مهمی در میل و گرایش خریدار دارد. او نحوه ارائه دین را مهم تلقی می‌کرد. گاهی با دهها نفر از فضلالی حوزه درباره مجموعه تمثیلات می‌گفت، اما به نظر حقیر تدوین مجموعه تمثیلات ایشان، به خصوص تمثیلات در موضوعات اخلاقی و اجتماعی، بسیار جای کار دارد و می‌تواند منبع بسیار خوبی برای مبلغان و معلمان باشد.

■ **در اختیار گذاشتن تحقیقات**

تحقیقات هر پژوهشگر ثمره عمر اوست و شاید به دلایل منطقی یا غیر منطقی برای بسیاری از پژوهشگران و مؤلفان سخت باشد که به راحتی نتایج کار خود را به ویژه قبل از چاپ در اختیار دیگران قرار دهند، اما من شاهد بودم که افراد زباده‌ی طی سه دهه گذشته، مطالب ایشان را تمام‌علاقه به‌شاکرداش درس داده، بنویسد و به شاگردانش نیز سفارش کند که آنان نیز بنویسند. نوشتن و مستند کردن درس‌ها، می‌تواند این امتیازات را داشته باشد:

۱- امکان بهره‌برداری در هر زمان و هر مکان، وقتی دفتری مکتوب در دسترس باشد. در این صورت با اطمینان می‌توان موضوع را انتخاب و با توجه به مستندات ارائه داد. ۲- امکان بهره‌برداری توسط دیگران، چه حاضران در مجلسی کسانی که خیر آن جلسه به گوش آنان می‌رسد. زمانی که نوشته‌ای هست می‌توان آن را نقد کرد، اما سخنانی که به صورت شفاهی ارائه شده‌اند، چه بسا امکان خرید کتاب را ندارند، به

طور رایگان در اختیار باشد. این روحیه از جوانی در ایشان بود و باعث برکت در کارهای علمی ایشان بوده است.

■ **کار فراوان و دشوار**

این کمترین افتخار دارد که دهه‌ها به صورت مشغول باشد. به یقین می‌توانم ایشان را یکی از پرکاران صحنه تحقیق و تبلیغ در کشور نام ببرم. فراموش نمی‌کنم در اولین سالی که بنده برای همکاری با ایشان به تهران آمدم، یک سال کار کردم، با یک روز تعطیل و آن هم‌روز عاشورا بود؛ در تمام جمعه‌ها مثل دیگر روزها، مشغول کار بودیم. در بسیاری از روزها، ساعت کار از صبح زود تا نیمه‌شب طول می‌کشید؛ گاهی که صحبت از بی‌توجهی به خانواده‌ها می‌شد، ایشان با سوز خاصی می‌گفت: «موقعیت ویژه‌ای نصیب شیعه در جهان شده است. انقلاب اسلامی ایران با خون هزاران شهید و خدمات و رنج‌های هزاران عالم و رهبری امام خمینی، این موقعیت را برای ما فراهم کرده‌اند. ما باید در حد خودکشی، این معارف را به زبان روز تبدیل کنیم و در اختیار دنیای تشنه‌فراز دهیم.» او در حوزه تبلیغ، چنین روحیه‌ای دارد. وقتی وارد استانی می‌شوند، جلسات متعددی برگزار می‌کند که گاهی پایان کار به بیمارستان ختم می‌شود؛ حتی در سفری که در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۰، در خدمت ایشان به چهار کشور اروپایی اتریش، سوئد، فرانسه و آلمان رفتم، ایشان به برنامه‌هایی که از قبل تنظیم شده بود، انکفا نکرد و چند برابر آنها، برای خود برنامه ایجاد کرد؛ پدیده‌ای که مسئولان دیپلماسی ما را شگفت‌زده کرده بود!

■ **جسارت در ارائه کار**

از ویژگی‌های بارز ایشان، این روحیه است که به دلیل اعتقاد به درستی و تأثیر داشتن کار، جسارت به خرج می‌داد و آینده و روش خود را با شخصیت‌ها و مسئولان در مجامع مختلف مطرح می‌کرد. شاید این روحیه، خوشایند برخی نباشد. برای نمونه چند سال قبل از انقلاب، وقتی وارد کردهمایی معلمان دینی در مشهد شد(جلسه سالانه‌ای که با مدیریت بزرگانی چون: شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید باهنر و آیت‌الله خامنه‌ای برگزار می‌شد) آقای قرائتی از شهید بهشتی یکی از اداره‌کنندگان جلسه، با نامه‌ای درخواست کرد: به من وقتی بدهید. شهید بهشتی با قاطعیت جواب داد، برنامه از قبل تنظیم شده است و ممکن نیست؛ ایشان سراغ افراد دیگری مثل شهید مطهری و مقام معظم رهبری رفت و آن‌قدر پیگیری کرد تا وقتی گرفت و ایده و روش خود را بیان کرد و مورد استقبال هم واقع شد.

نمونه دیگر در سال‌های پس از انقلاب و دهه ۷۰ روی داد که همراه ایشان بودم. ایشان پرسیدند: «چه خبر؟» جواب دادم: امروز گردهمایی دوساله مدیر مسئولان نشریات سراسر کشور است. به ارائه‌ده گفت: «برو وزارت ارشاد». گفت: حاج‌آقا شما دعوت نشده‌اید، ضمناً شما مدیرمسئول روزنامه و نشریه‌ای نیستید. ایشان گفت: «مطلب من مسئله نماز است، ما وظیفه داریم این فرضیه را در مجامع فرهنگی سن رفتند و بدون هماهنگی، «بسم‌الله الرحمن الرحیم» گفتند و همه را با تعجب روبه‌رو کردند! ایشان گفت: «ممکن است بگویید من کیستم و در این جلسه چه می‌کنم؟ من میان برده هستم نماز به شما بگویم.» آنگاه دقایقی درباره اهمیت نماز و مسئولیت نشریات صحبت کرد.

نمونه سوم اینکه ایشان بارها و بارها برای تألیف کتاب‌های دینی دانش آموزان و دانشگامیان اعلام آمادگی کرد و نقد خود را نسبت به کتاب‌های موجود، به صورت کتبی و شفاهی بیان کرد. به طور جد می‌توانم بگویم ما در بین مبلغان دینی، با این روحیه نیازمندیم.

■ **توسل توکل و تبرک**

هر کس مدت کوتاهی با استاد قرائتی حشر و نشر داشته باشد، نقش توسل به پیامبر عزیز(ص) و اهلبیت(ع) پاکش را در زندگی ایشان و به ویژه در کار تبلیغ مشاهده می‌کند. وقتی به گذشته ایشان و دوران جوانی‌شان سرک می‌کشیم، می‌بینیم که بسیاری از موفقیت‌های امروز‌شان، استجابت دعاهایی است که در جوار حرم آل‌البیت(ع) از خدا خواستند. حقیقتاً به توسل، به‌عنوان اهرم برای موفقیت در کار تبلیغ نگاه کرده‌اند. توفیق فهم درست معارف، اخلاص در تبلیغ، تأثیر در مخاطبان، فراهم شدن محافل تبلیغی، برکت در کار و دوری از انحراف، خطا، عجب و غرور، همگی دستاوردهای توسل ایشان به اهل‌بیت پیامبر(ع) است. ایشان می‌گفت: «در ماه رمضان، که توفیق شد یک ماه در حرم عسکری بنامد، گاهی شب‌ها من بادم و پدرم و مطهر و این دو امام معصوم(ع)، دکمه پیراهنم را باز می‌کردم و سینه‌ام را به ضریح می‌چسباندم و از این دو معصوم می‌خواستم که نظر بفرمایند تا تقییم از تبرک، ششک، رب و انحراف مصون بماند.» بارها و بارها تقاضاهای تبلیغی خود را از حضرت امام(رضاع) می‌خواست و آن امام رؤف، خیلی زود حاجتش را به او مرحمت فرمود. وقتی ایشان کتابی را تألیف می‌کرد، دستنوشته خود را قبل از چاپ، به ضریح اسام(رضاع) متبرک می‌کرد. در دعاها و نیایش‌های فردی و جمعی هم، هیچ‌گاه از آن ذخایر الهی غافل نیست. خدایش همچنان محفوظ و موفق دارد.